

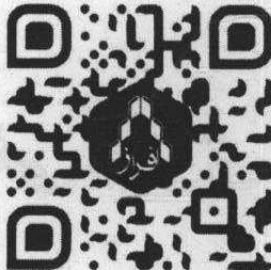
اندوهی و رای رؤیاها

www.ketab.ir



۱۳۹۹

با اسکن کد QR می‌توانید به وبسایت افراز و فروشگاه اینترنتی افراز دسترسی پیدا کنید.



afrazbook.com

@afrazbook



66977166 - 66401585



ebook.afrazbook.com

-
- | | | |
|---------------------|---|--|
| سرشناسه | : | هانتکه، پتر، ۱۹۴۲ - م. Handke, Peter |
| عنوان و نام پدیدآور | : | اندوهی ورای رؤیاها/پیترو هانتکه؛ مترجم مسلم بخشایش. |
| مشخصات نشر | : | تهران: افراز، ۱۳۹۹. |
| مشخصات ظاهری | : | ۱۰۱ ص. |
| شابک | : | ۹۷۸۶۰۰۳۲۶۴۸۹۲ |
| وضعیت فهرست نویسی | : | فیبا |
| یادداشت | : | عنوان اصلی: Wunschloses Unglück. |
| یادداشت | : | کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر تحت عنوان "A sorrow beyond dreams : a life story" |
| موضوع | : | به فارسی برگردانده شده است. |
| موضوع | : | داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰ م. |
| شناسه افزوده | : | German fiction -- 20th century |
| رده بندی کنگره | : | بخشایش، مسلم، ۱۳۶۱ - مترجم |
| رده بندی دیویی | : | PT۲۶۸۶ |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۸۳۳/۹۱۴ |
| | : | ۶۰۴۲۵۰۰ |
-



انتشارات افراز

دفتر مرکزی و فروش:

خیابان وحید نظری، پلاک ۱۰، پلاک ۲۰، ساختمان نادر، طبقه دوم، واحد ۸

تلفن: ۶۶۹۷۷۰۰

مرکز پخش: ۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۸۹۰

وب سایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

اپلیکیشن افراز: ebook.afrazbook.com

اندوهی ورای رریها

پیتر هانده

مترجم: مسلم بخشایش

طرح جلد: زکیه شادمانی

صفحه آرا: امید مقدس

نویس چاب: اول-۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۴۸۹-۲

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

مقدمه‌ی مترجم

تنها عایدی کمی از حاضرین در سمینار ادبیات پرینستون (۱۹۶۶ میلادی) برای برانک ۲۳ ساله‌ی اتریشی که موهایش را به سبک بیتل‌ها کوتاه کرده بود، افیاز را اطلس را پشت سر گذاشته بود تا بر چهره‌هایی همچون گونتر گرام، ایترو و زیگفرید لنز بتازد، آینده‌ی روشنی در ادبیات متصور بودند. سخنران پسر هاندکه‌ی متولد گریفن اتریش (۱۹۴۲ میلادی) درباره‌ی "ناتوانی ادبیات در توصیف وقایع" در آن زمان تنها به عنوان تقلای جوانکی آوانگارد برای جاب توجه تعبیر شد.

با وجود اینکه هاندکه نوشتن را از هنگامی که در مدرسه حقوق تحصیل می‌کرد با نوشتن نمایشنامه‌های کوتاه برای مجله ادبی کوچکی به نام "نسخه خطی" شروع کرده بود، اما نقطه‌ی شروع فعالیت حرفه‌ای وی را باید پس از ترک دانشگاه (۱۹۶۵) قلمداد کرد، در واقع از این سال به بعد بود که او به‌طور فعالانه‌ای مشغول نوشتن شد.

اولین داستان او با نام "زنبورهای سرخ" در سال ۱۹۶۶ میلادی چاپ شد و درست پس از حضور در پرینستون بود که نمایشنامه‌ی "اتهام به تماشاگر" به روی صحنه رفت و به دلیل اینکه آن نمایشنامه‌ای تجربی

بود، موفقیتی خیره کننده را کسب نمود. هاندکه کنش اشتراکی صحنه را ۹۰ درجه تغییر داده بود و بازیگران هم به طور اتفاقی به تماشاچیان امر و نهی کرده و حتی آنها را مسخره می کردند. در آغاز نمایش بازیگران می گویند: «این نمایش تصویرگر جهان نیست و هیچ تفسیری وجود ندارد و همه چیز در اینجا همان هایی هستند که به نظر می رسند: کف صحنه، بیس، حتی وجود نداشتن "در" بنا نیست که نشانگر "فقدان در" باشد».

زنبورهای مرگ درباره ی مرد کوری است که تلاش دارد دنیای پیرامونی اش را به کمک آداهم پیش از کور شدنش بازسازی کند، در حالی که اثر دوم هاندکه از نظر تقابل آن ملهم از کافکا است و اینکه به دنبال ارائه کیفیات فیزیکی وحشت و اضطراب و اثرات آنها بر دنیای پیرامونی است. دو مثال بارز از سبک اوپیه نگارسی که بعدها شهرت و سیاق او را هم نمایشنامه نویسی و هم در داستان روم می زنند. این سبک که اسکولار نیکلاس هرن در کتابی که درباره ی پیتر هاندکه نوشته، از آن با عنوان احکام تک جمله ای نامرتب و غیر توصیفی یاد می کند، متأثر از تحصیلات وی در رشته حقوق است.

کلیه نمایشنامه ها و داستان های اخیر هاندکه مبین این موضوع هستند که در واقع زبان تنها واقعی است که ادبیات قادر به عرضه آن است. مثلاً او واکنش مخاطبان را به صورت جملات معترضه در داخل یک متن

حقوقی جا می‌داد. گزاره‌هایی نظیر آنچه که مابین سخنرانی‌های منتشره در شوروی سابق از لنین یا استالین قرار می‌گرفت: "تشویق رعد آسا"، "خنده‌های ناگهانی" و غیره.

داستان "دستفروش" در ۱۹۶۷ میلادی به چاپ رسید. در این داستان، خواننده می‌بایست که تکه پاره‌های یک داستان را در حافظه‌اش نگه دارد. به این ترتیب از موقعی که به صورت مداوم مبهوت کشف ماهیت قلم است، داستان مدام تکرار شده و حتی خود را ملغی می‌کند. در هنگام نوشتن داب "دستفروش" ابتدا طرح کلی ریخته شد، اما روایی بودن آن اجازه داده که مکاتسم داستان بی‌نیاز از القانات شخصی نویسنده به شیوه‌ای کارگزار، بیس رود.

در نوامبر ۱۹۷۱ میلادی، رنج یک فقدان، شانه‌های پیتر هاندکه را به لرزه در آورد. ماریا هاندکه، مادر ۵۱ ساله‌اش دست به خودکشی زد و تنها در نامه کوتاهی نوشته بود که: «ادامه دارم به زندگی برایش غیر قابل تصور است.» نتیجه‌ی آن موج اندوه تنها به فاصله‌ی چند ماه بعد در کتاب کوچکی با نام "اندوهی ورای رؤیاها" (۱۹۷۲) دیدار می‌شد. پیتر هاندکه چشم اندازی نزدیک و در عین حال دور از فقر عاطفی را که بر خانواده‌اش مستولی بود، پیش چشمان مان هویدا کرد. خصوصاً آنکه مادرش تقریباً به‌طور کامل از فقدان هویت در رنج بود. در خانواده‌ی او واژه‌ی "فردیت" مثل یک طعنه و ناسزا به شمار می‌رفت و "یکه" بودن

نامأنوس و غریب می‌نمود.

با انتشار این اثر، منتقدان از برخورد با هاندکه‌ای که به خود جرأت داده بود تا یک رویداد واقعی از زندگی‌اش را بی‌پرده و این بار با رویکردی که بیش از آنکه انتزاعی باشد احساساتی بود، به تصویر کشد، و سبک نگارشش به شدت شخصی شده بود، خوشحال بودند.

روانکار با نام "تیلمان موزر" مدعی است که پتر هاندکه با کتاب *"Romane als Krankengeschichten"* در حال ادای دینِ همزیستی نسبت به مادرش است، یقناً همان تعهدی که مادرش در مراحل اولیه‌ی رشد نسبت به او داشته است؛ او تلاش دارد تا از طریق نوشته‌هایش، هویتی را که مادرش در تمام زندگی‌اش بر او تحمیل کرده، پس از مرگ، به وی ارزانی دارد. تاب آوردن بار چنین مسئولیتی قطعاً برای هر تابنده‌ای گران است. به نظرم می‌رسد که این کتاب به حصار خشم فروخورده و میراث فلاکت و مشکلات حل‌ناشده‌ای است که مادرش برای وی به یادگار می‌گذارد. ولی در عین حال، سویی دیگر همین نشان است که او را به یک نویسنده تبدیل می‌کند. گرچه که حالا محض حفظ ظاهر ادبیات و دفاع از خاطره‌ی یک مرده، دائماً روی این دوگانگی سرپوش گذاشته می‌شود.

در عنوان "اندوهی ورای رویاها" نوعی خشم نهفته است، که نه تنها متذکر مصیبتی است، بلکه فلاکتی را به ذهن متبادر می‌سازد که آن چنان

تلخ است که هیچ افق روشنی را حتی برای آرزو کردن هم بر جای نمی‌گذارد. حتی "ولفرام ماسر" نیز هنگامی که از نقطه نظر روانکاوی اثر هاندکه را بررسی می‌کند می‌خواهد اعلام نماید که این کتاب در کلیتش یک دفاع روانشناسانه می‌باشد. راوی، فردی را خارج از مجموع محرمیت هایش خلق می‌کند و نهایتاً نیز اجازه می‌دهد که او جانشین سادس شود.

هاندکه برای تئارش "لحظه‌ای احساس ناب" (۱۹۷۵ میلادی) شیوه‌ی دیگری را در پیش می‌گیرد. در خیابان‌ها راه می‌رود و بر روی اوراق چک نویس یادداشت بر می‌دارد، تا بعد هنگامی که می‌نشیند تا زندگی درونی شخصیتی به نام Gregor Keuschnig را جمع‌آوری کند، تبدیل به قطعات ارزشمند پازل شوند. Keuschnig عضو هیات نمایندگان سیاسی اتریش در پاریس است. ولی پس از دیدن رویایی که در آن اقدام به قتل می‌کند، ثبات روانی‌اش را از دست داده و خود را به دست جنونی می‌سپارد که او را سرگردان، در شهر می‌چرخاند.

"تیلمان موزر" بر آن است که چهره‌ای که هاندکه از Keuschnig می‌سازد، توصیف شفافی از نوسان یک بیمار روانی در میانه‌ی توهم‌شان و منزلت و همچنین از سویی حس پوچی و بی‌ارزشی باشد.

بازگشت آرام به خانه (۱۹۷۹ میلادی) که در یک مجموعه داستان قرار دارد، آغازگر برهه‌ی جدیدی از زندگی هنری هاندکه است. او حالا

به طبیعت اجازه می‌دهد تا منویات درون او را با ملایمت و وقار مذهبی - که جورج بوشنر و توصیفاتش از کوهستان vogesian در "لنز" را به ذهن متبادر می‌کند - بیان نماید.

شخصیت اصلی داستان یک زمین‌شناس میان‌سال اتریشی به نام والنتین سِرچر است که در آلاسکا بر فراز قطب شمال مشغول کار است. کار او تهیه طرح‌هایی از عوارض زمین‌شناسی آلاسکا است. ناگهان احساس عجیبی نسبت به زندگی او را فرا می‌گیرد و مصمم می‌شود که به اتریش بازگردد. به سال فرانسیسکو پرواز می‌کند و مدتی را با زوجی که می‌شناسد سپری می‌کند. نگاه‌ها و شکل‌های طبیعت، او را مجذوب خود کرده و به تفکر و امداد او بازگشته کشف قوانین فرا مادی حاکم بر طبیعت شده و به همین دلیل هم یک نوع رستگاری‌ای را تجربه می‌کند که به واسطه آن معنی زندگی‌اش دچار دگرگونی می‌شود.

این توصیف خوبی از پروژه‌ی ادبی هاندکه است که خود وی راجع به آن در کتاب مصاحبه‌اش که در سال ۱۹۸۷ منتشر می‌شود، توضیح می‌دهد. اکنون هاندکه بیشتر و بیشتر به شیوه‌ای حسی و مدّیم می‌نگارد. وی می‌گوید که نوشتن اولین جمله‌ی کتاب "بازگشت آرام به خانه" سه روز به طول انجامید چراکه صرف این مدت زمان در نقطه‌ی شروع برای تصمیم مهم سِرچر به جدا شدن از آلاسکا ظاهراً نوعی اجتناب بود. نقطه‌ی شروعی که می‌توانست دهها صفحه را مصروف خود دارد.